

اخبار

منتقد آمریکایی:

مهرجویی هرگز در خارج از ایران به حق خود نر سید



«گادفری چشایر» منتقد آمریکایی که آشنایی کامل با سینمای ایران دارد، در مطلبی به توصیف سینمای داریوش مهرجویی پرداخت. به گزارش ایسنا، در بخش‌هایی از این مطب که در وب‌سایت «راجر ایبرت» منتشر شده، آمده است: با شنیدن خبر تکان دهنده مبنی بر اینکه داریوش مهرجویی، فیلمساز ایرانی و همسرش در خانه خود در خارج از تهران با ضربات چاقو کشته شدند، ذهنم به خاطرات متوالی از استاد و کارهایش برگشت.

وقتی در اواخر دهه ۹۰ شروع به رفتن به ایران کردم، مهرجویی، عباس کیارستمی و محسن مخملباف کارگردانانی بودند که بیشترین زمان را با آنها گذراندم و شخصاً با آنها آشنا شدم. هر سه نفر خوش مشرب، مهربان و مهمان نوار بودند، اما مهرجویی از جهاتی ساده‌ترین فرد برای تعامل بود. زیرا انگلیسی‌اش بی نقص بود. عینک آفتابی‌اش، مزایای «لو رید» موسیقیدان و طور گسترده مطالعه می‌کند، بنابراین ما علاوه بر سینما درباره چیزهای زیادی صحبت کردیم. به دوستان گفتم که مهرجویی با موهای تیره ژولیده و عینک آفتابی‌اش، مزایای «لو رید» موسیقیدان و ترانه نویس معروف آمریکایی می‌اندازد. «دزدان دوچرخه» ساخته «دسپکا» فیلمی بود که علاقه او را در جوانی به سینما برانگیخت. او در ۱۹ سالگی برای تحصیل در رشته سینما در دانشگاه کالیفرنیا ثبت نام کرد اما به سرعت ناامید شد. در حالی که او می‌خواست درباره «آنتونیونی» و «گدار» پیاموزی، می‌گفت که استادانش از آن دسته افرادی بودند که خودشان نتوانستند در هالیوود حضور داشته باشند، اما فضای گندیده هالیوود را وارد کلاس کردند و آن را به ما تحمیل می‌کردند. او که منجزگر شده بود، رشته خود را به فلسفه تغییر داد.

او در بازگشت به ایران، اولین فیلم بلند خود را ساخت، یک فیلم بلند که در گیشه موفق نشد اما به دلیل پیچیدگی فنی اش مورد توجه قرار گرفت. چند سال پیش با محمود کلاری فیلمبردار بزرگ که با همه سینماگران مولف بزرگ ایرانی کار کرده است، مصاحبه کردم. او به من گفت که مهرجویی فردی است که با «زبان سینما» آشنایی کامل دارد، به طوری که به کوچکترین جزئیات در یک تولید توجه کرده است. این مهارت را می‌توانید در فیلم «گاو» ببینید. فیلمی که در سال ۱۹۶۹ به نظر می‌رسد (همراه با «قبصر» مستود کیمیایی) آغازگر دهمی فراخلاقیت موسوم به موج نوی ایرانی (۱۹۶۹-۱۹۷۹) است.

مهرجویی نیز مانند «اینگمار برگمان» یک گروه از بازیگران ثابت داشت که بارها با آن کار می‌کرد. با عزت‌الله انتظامی در فیلم «گاو» شروع کرد. کلاری چیزی به من گفت که قبلاً به آن فکر نکرده بودم. او گفت مهرجویی بازیگری را انتخاب می‌کرد که با شخصیتی که قرار بود بازی کند احساس قرابت کند و پس از آن، بازیگر جنبه‌هایی از آن شخصیت را به فیلم‌ها و نقش‌های دیگر می‌برد. این روند با فیلم بعدی مهرجویی، «آقای هالو» (۱۹۷۰) ادامه پیدا کرد، فیلم موفقی که علی نصیریان بازیگر نقش اول را به یک ستاره تبدیل کرد. پس از انقلاب، «هامون» مهرجویی یکی از بزرگ‌ترین و پر مخاطب‌ترین فیلم‌های او بود، خسرو شکیبایی بازیگر نقش اول را بازی کرد که به گفته ناظران در آن فیلم از کارگردان تقلید کرد.

پس از «هامون»، او تمرکز خود را تغییر داد. در دهه ۹۰، او پنج فیلم درباره زنان ساخت، آثاری که استعدادهای زنانه قابل توجهی را به نمایش گذاشت.

درگذشت محمدرضا شجریان با حضور هنرمندانی همچون حمیدرضا نوربخش (خواننده)، داوود گنجه‌ای (نوازنده کمانچه)، آرش امینی (رهبر ارکستر)، علی جهاندار (خواننده)، یونس شکرخواه (روزنامه‌نگار)، غلامحسین امیرخوانی (خوشنویس)، داریوش پیرنایکان (آهنگساز)، عباس مجیدی (مجسمه‌ساز)، فاضل جمشیدی (خواننده) و … در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

شجریان؛ یکی از بزرگترین چهره‌های موسیقی در دنیای معاصر

در این مراسم که عباس سجادی اجرای آن را برعهده داشت، نخستین سخنران، قطب‌الدین صادقی (کارگردان و نویسنده) بود که در سخنانی گفت: فرهنگ ایران به جز ادبیات کلاسیک، چهار پرچم حیرت‌انگیز دارد که در دنیا مایه فخر این سرزمین است؛ موسیقی، نمایش، فرش، کاشی و معماری این چهار پرچم هستند. یکی از بزرگترین چهره‌های موسیقی در دنیای معاصر ایران، استاد شجریان است. به نظر من ایشان مصداق این جمله آرتور شوپنهاور است که می‌گوید: «همه هنرها می‌کوشند تا به پای موسیقی برسند؛ زیرا در موسیقی آنچه تعیین‌کننده و تأثیرگذار است قدرت تجریدی آن است که سوا از محتوا و فرم می‌تواند با ناخودآگاه ما حرف بزند و با جان ما عینین شود.»

او ادامه داد: برای من مصداق این سخن شوپنهاور «رتبائی» استاد شجریان است. من جز کلمه رتبا به دلیل فقر زبان عربی چیزی را نمی‌فهمم اما این اثر با جان شما حرف می‌زند؛ صرف‌نظر از اینکه شیعه، سنی و یا مسیحی باشید. آقای شجریان یک هنرمند یگانه است که سه ویژگی بزرگ دارد. اولین آن ادراک است؛ کسی که ادراک نداشته باشد، چیزی از هنر نفهمیده است. ولی تبحر و شناختی که شجریان در فرهنگ عمومی از فرهنگ مذهبی و سنتی گرفته تا ادبیات کلاسیک داشت، موجب می‌شد اشعاری که می‌خواند بسیار ریشه‌ای باشد. یکی از دلایل تأثیرگذاری او همین ادراک نیرومند است.

این هنرمند تصریح کرد: دومین چیزی که در شجریان تشخیص دادم، تسلط فنی اوست؛ یعنی احاطه او بر دستگاه‌های نوین موسیقی، تحریرهای یگانه‌ای که داشت، او را شاخص‌ترین کرده بود. سومین نکته، احساس است. ادراک و تکنیک به تنهایی کافی نیست، یک غلظت عاطفی داشت که برآمده از غنای فرهنگ کهن و هزار ساله ما است و باعث شده که در زیر تمام ملودی‌هایی که می‌خواند یا زخمه‌های سازی که هم‌راه می‌کرد، شدیداً تأثیر گذار باشد. آنچه باعث شد این اثر، عطفی بسیار همه جا حاضر و تأثیرگذار باشد، ناشی از این بود که خود مرحوم شجریان سرد و گرم روزگار را چشیده بود. شما اگر در حافظه عاطفی خود احساسات درشت را تجربه نکرده باشید، نمی‌توانید به باآفرینی هنری، آن را یک بار دیگر نشان دهید. به نظر من آقای شجران دارای این سه ویژگی بسیار ایاوود که توانست جایگاه بالایی برای خود در فرهنگ موسیقایی ایران به دست بیاورد.

صادقی با بیان اینکه «تنها تسلط ادراک و غلظت عاطفی آثار شجریان نیست که از او یک تصویر نمادین از فرهنگ معاصر ساخت» گفت: آنچه که از او یک استثنا ساخت، در حقیقت تشخیص مرحوم شجریان بود. او به همراه عده‌ای مانند مرحوم لطفی یا حسین علیزاده، موسیقی ایرانی را از حالت بزمی و مجلسی خارج کردند و یک بعد اجتماعی بسیار نیرومند به آن دادند. بسیار فرهنگی و بسیار تأثیرگذار. زخمه‌ها دیگر حتی اجتماعی بود. یک شور و خروش در آن بود که بود بسیار گراसार بود. به نظر من سردمدار این افراد آقای شجریان بود و او بود که به نوازنده و سازنده اعتبار

رویای عریستان به باد می‌رود؟



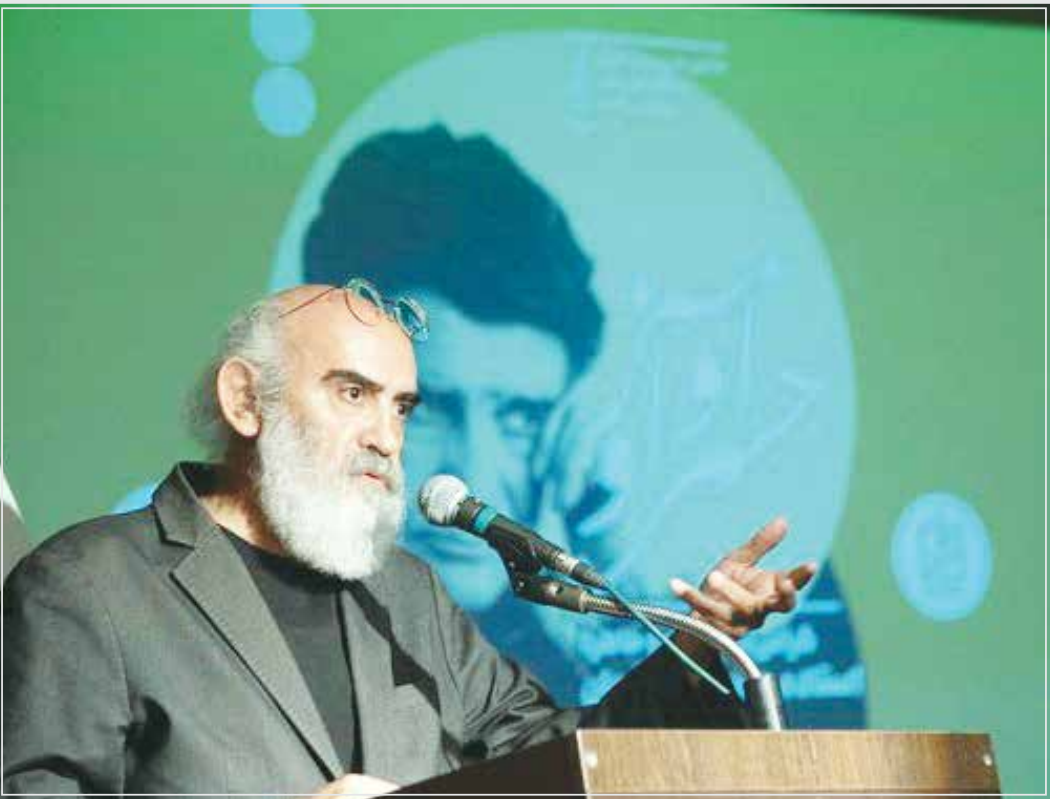
شرایط بی‌ثبات سیاسی در خاورمیانه به‌واسطه جنگ میان حماس و رژیم صهیونیستی، می‌تواند به‌شدت به زیان عریستان سعودی باشد که طرح‌های بلندپروازانه‌ای را برای جذب حداکثر گردشگر خارجی در ذهن پرورانده است.

به گزارش ایسنا، در کنفرانس سرمایه‌گذاری شاخص عریستان سعودی در اکتبر ۲۰۱۸، شاهزاده محمد بن سلمان وعده داد که عصر

شکر خواه در آیین نکوداشت محمدرضا شجریان:

شجریان از «مطرب» استاد ساخت!

هم‌زمان با سومین سالگرد درگذشت زنده‌یاد محمدرضا شجریان، دوستاناران او در خانه هنرمندان گرد هم‌آمدند و یاد او را گرامی داشتند.



بخشید

شجریان تفکر نظام‌مند داشت

این کارگردان ادامه داد: شجاعت شجریان مثال‌زدنی بود. شخصیت اجتماعی او سه بار نمود پیدا کرد؛ یک بار در دوره ایران قبل از انقلاب اسلامی که به رادیو عمومی از فرهنگ مذهبی و سنتی گرفته تا ادبیات کلاسیک داشت، موجب می‌شد اشعاری که می‌خواند بسیار ریشه‌ای باشد. یکی از دلایل تأثیرگذاری او همین ادراک نیرومند است.

این هنرمند تصریح کرد: دومین چیزی که در شجریان تشخیص دادم، تسلط فنی اوست؛ یعنی احاطه او بر دستگاه‌های نوین موسیقی، تحریرهای یگانه‌ای که داشت، او را شاخص‌ترین کرده بود. سومین نکته، احساس است. ادراک و تکنیک به تنهایی کافی نیست، یک غلظت عاطفی داشت که برآمده از غنای فرهنگ کهن و هزار ساله ما است و باعث شده که در زیر تمام ملودی‌هایی که می‌خواند یا زخمه‌های سازی که هم‌راه می‌کرد، شدیداً تأثیر گذار باشد. آنچه باعث شد این اثر، عطفی بسیار همه جا حاضر و تأثیرگذار باشد، ناشی از این بود که خود مرحوم شجریان سرد و گرم روزگار را چشیده بود. شما اگر در حافظه عاطفی خود احساسات درشت را تجربه نکرده باشید، نمی‌توانید به باآفرینی هنری، آن را یک بار دیگر نشان دهید. به نظر من آقای شجران دارای این سه ویژگی بسیار ایاوود که توانست جایگاه بالایی برای خود در فرهنگ موسیقایی ایران به دست بیاورد.

صادقی ادامه داد: به خاطر دارم آقای شجریان در اصفهان کنسرتی در عالی‌قاپو داشت که سفیر فرانسه

او را دعوت کرده بود و مقابل همه مهمان‌ها شروع به ستایش او کرد و کلماتی که استفاده می‌کرد آنقدر با احترام و مهر بود که من در ترجمه آن کلمات کم آوردم. سپس خود آقای شجریان شروع به صحبت کرد و آنقدر با فروتنی و تواضع صحبت کرد که باز هم من کم آوردم. می‌خواهم بگویم در دو مرحله، هم در ستایش و هم پاسخش چه دنیای وصف نشدنی‌ای وجود داشت. آقای شجریان اصالت فرهنگی داشت و این اولین فضیلتی بود که او داشت؛ یک فضیلت مثال‌زدنی. توانایی فنی حیرت انگیز و مقام اجتماعی هم دیگر شاخصه‌های او بود.

شجریان از «مطرب» استاد ساخت

یونس شکرخواه (پدر روزنامه‌نگاری مدرن ایران) نیز در ادامه این مراسم در سخنانی بیان کرد: من فکر می‌کنم یکی از بزرگترین اتفاقاتی که برای موسیقی ایران رقم خورد، این بود که آقای شجریان کشیدگی دامن موسیقی را از یک پدیده سمعی خارج کرد. شاید در یک تارکی مطلق این اتفاق صورت گرفت که اساساً ارتباطی به صورت بصری وجود نداشت. او موضوع را در حالت حس شنیداری وارد حوزه هنر کرد. او تاکیذ شنیدنی بر مکتب معنا بر فرم داشت. او آشنایی چند بعدی بود و به همین سبب هم دوستان مختلفی از حوزه‌های مختلف داشت.

او ادامه داد: آقای شجریان رعایت مخاطب داشت و بی‌دلیل با تحولات اجتماعی همراه نبود. شاهد بودم یک بار در ساند چک حتی روی دو صندوقی آخر سال نشست و صدا را چک کرد. او همه جنبه مخاطب را در نظر می‌گرفت. آقای شجریان فرامتن را خوب درک می‌کرد و این باعث می‌شد موقعیت‌ها را به مقصد تبدیل کند. او به مقصد رسید و تردید نکرد. او فهمید که متن باید به فرامتن و حاشیه گره بخورد. «مرغ سحر» وقتی موفق شد که مخاطب به متن گره خورد. او فهمید راه سخنی از جلو می‌رود و توانست از «مطرب»

استاد بسازد؛ استاد محمدرضا شجریان!

شجریانی که متلاطم یک بود

غلامحسین امیرخانی نیز که سال‌ها سابقه رفافت

| |
|--|
| خبر |
| ترجیح می‌دهم بازی نکتم تا حرص نخورم |
| زهرا سعیدی، بازیگر باسابقه سریال‌های تلویزیونی علت حضور کمرنگش در عرصه تصویر و نمایش را پایین بودن کیفیت آثار عنوان می‌کند و می‌گوید: دوست دارم کار کنم اما فعلاً ترجیحم این است کار نکتم تا حداقل حرص نخورم. به قول قدیمی‌ها «جان نکنده در تن می‌ماند.» |
| زهرا سعیدی، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون که مدت‌هاست در قاب تلویزیون دیده نمی‌شود، در گفت‌وگویی با ایسنا علت را پایین بودن کیفیت کارها عنوان می‌کند و می‌گوید: سریال «بایور» به کارگردانی آقای سعید سلطانی آخرین همکاری‌ام با تلویزیون بود که مربوط به دو سال گذشته می‌شود. بعد از آن هم پیشنهاد داشتم و هنوز هم دارم اما کارها را دوست نداشتم چون در حدی نبودند که مرا جذب کنند. |
| ترجیح می‌دهم کار نکتم تا حرص نخورم |
| او درباره مشکل عمده این روزهای تلویزیون که باعث ریزش مخاطبان هم شده است، خاطرنشان می‌کند: معتقدم مشکل عمده همه ارگان‌ها این است که افراد سر جایشان نیستند از جمله تلویزیون هم همین‌طور است. در حال حاضر به خاطر اینکه بودجه کمتری به رسانه ملی تعلق می‌گیرد، در نتیجه تهیه‌کننده‌های خاصی هم وارد کار می‌شوند و یا اسپانسر می‌گیرند و متأسفانه مجاز هستند که هر اشتباهی را انجام بدهند؛ به عنوان مثال پذیرایی سر پروژه‌ها به شدت خجالت‌آور است و اصلاً در شأن هنرمندان نیست و به قدری پایین است که قابل بیان نیست. |
| سعیدی ادامه می‌دهد: به قول قدیمی‌ها جان نکنده به تن می‌ماند. خلاصه اینکه من هم تصمیم گرفتم فعلاً کار نکتم تا حداقل حرص نخورم. باز هم اگر متن‌ها خوب بودند و کارهای خوبی ارائه می‌شد، با خودم می‌گفتم عیبی ندارم کم می‌خورم، کم استراحت می‌کنم اما در عوض کار خوب و کیفیت بازی می‌کنم اما واقعاً آثار خوب نیستند. من به عنوان یک هنرمند واقعاً مردم کشورم را دوست دارم و دلم می‌خواهد کار کنم اما به امید اینکه تلویزیون یک تجدید نظر کند در مورد برنامه‌هایش داشته باشد. اگر تلویزیون تغییر روش بدهد حتماً کار می‌کنم چرا که نه. ما مردم را دوست داریم و تلویزیون خانه ماست. |
| همینکه مادی مهربان و دلسوز |
| او درباره حضورش در سریال‌های تلویزیون و اینکه اغلب در نقش‌های مثبت و مادر مهربان ظاهر می‌شود، در واکنش به آیه‌ای خودش دوست داشته ایفاگر نقش های منفی هم باشد؟ بیان می‌کند: مسلماً بازیگر دوست دارد در کارش چالش باشد و این هم یک لذت است اما متأسفانه این موضوع نیز برای خودش معضلی است. همین که یک بازیگر نقشی را خوب بازی می‌کند، دیگر همه به او همین نقش‌ها را پیشنهاد می‌دهند و مدام تکرار می‌شود و این خوب نیست. |
| بازیگر سریال‌های «مریم مقدس»، «یوسف پیامبر(ع)»، «کیمیا»، «ستایش» و «هوش سیاه» سپس درباره حضورش در شبکه نمایش خانگی و اینکه بیشتر ترجیحش تلویزیون است یا شبکه نمایش خانگی؟ چنین می‌گوید: فضا برای فرقی ندارد هرچکا کار خوب باشد هستم. اگر شبکه نمایش خانگی نقش خوبی به من پیشنهاد بدهد حتماً قبول می‌کنم. اتفاقاً بهترین سریال‌ها این روزها در شبکه نمایش خانگی ساخته می‌شوند. در نهایت کیفیت کار برایم مهم است. |
| به تئاتری‌ها سخت می‌گذرد |
| وی درباره فعالیت‌های تئاتری اش هم اظهار می‌کند: متأسفانه مدت‌هاست در تئاتر هم کار نمی‌کنم چون معتقدم خیلی موقعیت مظلوم و ضعیفی دارد. حتی چندین بار شده که تا مرحله دورخوانی متن هم پیش رفته‌ایم اما بودجه‌ها آنقدر ناچیز است و امکانات آنقدر کم که نشد کار کنیم. از طرفی شرایط خوبی هم برای فروش وجود ندارد و حمایتی نمی‌شود. کسانی که در تئاتر کار می‌کنند بی‌تعارف می‌گویم از جیب خودشان می‌خورند و از جان خودشان مایه می‌گذارند و به نتیجه‌ای هم نمی‌رسند. متأسفانه به تئاتری‌ها خیلی سخت می‌گذرد. زهرا سعیدی در پایان می‌گوید: مدت‌هاست که در عرصه هنر فعالیتت ندارم و مشغول نوشتن دومین رمانم هستم که به تازگی آن را تمام کرده‌ام. رمان «سومین پر سمرغ» که سال‌ها مشغول نگارشش بودم. من اوقات فراغتم را این روزها فقط با نوشتم پر می‌کنم. |

فرهنگ و هنر

او را دعوت کرده بود و مقابل همه مهمان‌ها شروع به ستایش او کرد و کلماتی که استفاده می‌کرد آنقدر با احترام و مهر بود که من در ترجمه آن کلمات کم آوردم. سپس خود آقای شجریان شروع به صحبت کرد و آنقدر با فروتنی و تواضع صحبت کرد که باز هم من کم آوردم. می‌خواهم بگویم در دو مرحله، هم در ستایش و هم پاسخش چه دنیای وصف نشدنی‌ای وجود داشت. آقای شجریان اصالت فرهنگی داشت و این اولین فضیلتی بود که او داشت؛ یک فضیلت مثال‌زدنی. توانایی فنی حیرت انگیز و مقام اجتماعی هم دیگر شاخصه‌های او بود.

یونس شکرخواه (پدر روزنامه‌نگاری مدرن ایران) نیز در ادامه این مراسم در سخنانی بیان کرد: من فکر می‌کنم یکی از بزرگترین اتفاقاتی که برای موسیقی ایران رقم خورد، این بود که آقای شجریان کشیدگی دامن موسیقی را از یک پدیده سمعی خارج کرد. شاید در یک تارکی مطلق این اتفاق صورت گرفت که اساساً ارتباطی به صورت بصری وجود نداشت. او موضوع را در حالت حس شنیداری وارد حوزه هنر کرد. او تاکیذ شنیدنی بر مکتب معنا بر فرم داشت. او آشنایی چند بعدی بود و به همین سبب هم دوستان مختلفی از حوزه‌های مختلف داشت.

او ادامه داد: آقای شجریان رعایت مخاطب داشت و بی‌دلیل با تحولات اجتماعی همراه نبود. شاهد بودم یک بار در ساند چک حتی روی دو صندوقی آخر سال نشست و صدا را چک کرد. او همه جنبه مخاطب را در نظر می‌گرفت. آقای شجریان فرامتن را خوب درک می‌کرد و این باعث می‌شد موقعیت‌ها را به مقصد تبدیل کند. او به مقصد رسید و تردید نکرد. او فهمید که متن باید به فرامتن و حاشیه گره بخورد. «مرغ سحر» وقتی موفق شد که مخاطب به متن گره خورد. او فهمید راه سخنی از جلو می‌رود و توانست از «مطرب» استاد بسازد؛ استاد محمدرضا شجریان!

شجریانی که متلاطم یک بود

غلامحسین امیرخانی نیز که سال‌ها سابقه رفافت

جدیدی برای خاورمیانه در حال طلوع است و اروپای جدید، خاورمیانه است و رنسانس در ۳۰ سال آینده در خاورمیانه خواهد بود.

حالا پس از گذشت حدود پنج‌سال، در حالی‌که انتظار می‌رود مدیران ارشد جهان برای جدیدترین کنفرانس سرمایه‌گذاری آینده به ریاض بروند، شرایط در خاورمیانه چندان مناسب نیست و درحالی که اروپا با تأثیرات جنگ روسیه و اوکراین دست و پنجه نرم می‌کند، جنگ بین اسرائیل و حماس شکاف‌های سیاسی منطقه خاورمیانه را دوباره پدیدار کرده و ایجاد حس ناامنی در خاورمیانه می‌تواند رویاهای بلندپروازانه عریستان را در عرصه گردشگری حداقل در کوتاه‌مدت به باد دهد.

اینکه چگونه جریان‌های سرمایه‌گذاری و سفر گردشگران به عریستان تحت‌تأثیر چشم‌انداز جنگ اسرائیل و حماس قرار می‌گیرد، هنوز مشخص نیست، اما چشم‌انداز به یک درگیری گسترده‌تر احتمالاً می‌تواند جاه‌طلبی‌های شاهزاده محمد بن سلمان را با مشکل روبه‌رو کند.

عریستان سعودی بر اساس چشم‌انداز ۲۰۳۰ خود قصد دارد طی هفت سال آینده شمار گردشگران خود را به ۱۰۰ میلیون نفر برساند؛ هدفی که اخیراً توسط مقامات عریستانی کم و ناکافی نیز توصیف شده

اعتبار علمی و رتبه جدید دانشگاه یاسوج اعلام شد



در رتبه بندی دیگری از همین مرجع، دکتر مهراورنگ قائدی عضو هیات علمی دانشگاه یاسوج با کسب رتبه ۲۰ ام از میان ۱۱۰ دانشمند سرآمد علمی ۱۴۰۲ معرفی شد. دانشگاه یاسوج در سالهای اخیر اقدامات زیادی در جهت بهبود کیفیت

آموزشی و پژوهشی داشته اند، از جمله در حوزه تجهیزات و زیرساخت های آزمایشگاهی و پژوهشی، ارتباطات ملی و بین المللی، جذب نیروهای علمی جوان، گسترش تحصیلات تکمیلی، جذب دانشجویان غیرایرانی و افزایش مبالغ گرنت پژوهشی که به نظرمیرسد اینک نتیجه آن اقدامات در این رتبه بندیها مشخص گردید.